



وزارت راه و ترابری
سازمان ملی ترابری
دفتر طراحی، طراحی شهری و بافت های جدید

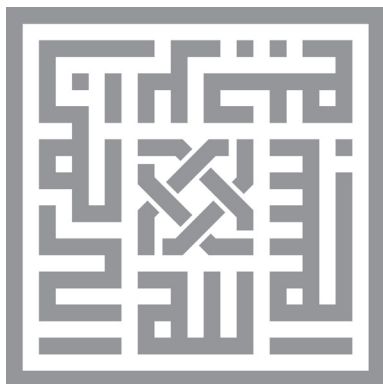
[بازخوان طراحی]

اصول بازطراحی معماری داخلی

گریم بروکر، سالی استون
ترجمه ی سید احسان مسعود



کتابخانه کسری





وزارت راه و شهرسازی
معاونت معماری و شهرسازی
دفتر معماری، طراحی شهری و بافت‌های واجد ارزش

بازخوانی [بازطراحی] اصول بازطراحی معماری داخلی

گریم بروکرو سالی استون
ترجمه‌ی سید احسان مسعود

انتشارات تخصصی هنر،
معماری و شهرسازی

کتابخانه‌کسری

Brooker, Graeme

بروکر، گریم

بازخوانی [بازطراحی]: اصول بازطراحی معماری داخلی / گریم بروکر و سالی استون؛ ترجمه‌ی سیداحسان مسعود؛ ویراستار کتابیون یوسفی؛ [برای] وزارت راه و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی، دفتر معماری، طراحی شهری و بافت‌های واجد ارزش.

مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۹.

۲۷۲ ص: مصور (رنگی).

شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۳-۱۲-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی:

Rereadings : interior architecture and the design principles of remodelling existing buildings, 2004.

Interior architecture

موضوع: معماری داخلی

Buildings -- Remodeling for other use

موضوع: ساختمان‌ها -- تغییر کاربری

Architecture -- Conservation and restoration

موضوع: معماری -- نگهداری و مرمت

Stone, Sally

شناسه افزوده: استون، سالی

شناسه افزوده: مسعود، احسان، ۱۳۶۶ -، مترجم

شناسه افزوده: یوسفی، کتابیون، ۱۳۶۰ -، ویراستار

شناسه افزوده: ایران. وزارت راه و شهرسازی. دفتر معماری، طراحی شهری و بافت‌های واجد ارزش

رده بندی کنگره:

NA۲۸۵۰

رده بندی دیویی:

۷۲۹

شماره کتابشناسی ملی:

۶۱۱۴۷۴۶



کتابکده تخصصی هنر، معماری و شهرسازی کسری

بازخوانی [بازطراحی]

اصول بازطراحی معماری داخلی

گریم بروکر و سالی استون

ترجمه: سید احسان مسعود

(مدرس مدعو دانشکده معماری دانشگاه تهران)

ویراستار: کتابیون یوسفی

صفحه‌آرایی: منا گندمکار

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۳-۱۲-۱

انتشارات: کتابکده کسری

نشانی: مشهد فلسطین ۱۴ پلاک ۱۰ تلفن: ۳۷۶۷۰۰۱۹ ۰۵۱

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.kasrapublishing.ir

کلیه حقوق نشر این اثر برای کتابکده کسری و وزارت راه و شهرسازی محفوظ است. هر گونه تصویربرداری و تکثیر اعم از نسخه کاغذی و دیجیتال و... از تمام یا بخشی از آن ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

پیشگفتار

جریان فرهنگی ملت‌ها از طریق ساختارها و محصولات فرهنگ آنها تداوم می‌یابد و شاخصه‌های یک فرهنگ نیز از قبیل زبان، آداب و رسوم، فضاهای کالبدی و... طی سالیان و از رهگذر تغییراتی که به تناسب سازگاری با شرایط جدید می‌پذیرند، بقای آن را تضمین می‌کنند. به عبارت دیگر، زمانی اجزای فرهنگی به موزه‌ها سپرده می‌شود که تقریباً اثری از آن فرهنگ و اقوام منتسب به آن باقی نمانده و به تاریخ پیوسته است؛ لباس‌هایی که کسی آنها را نمی‌پوشد، ظروفی که کسی در آنها نمی‌خورد و نمایشامد و ساختمان‌هایی که زندگی در آنها جریان ندارد، نشان از فرهنگ‌هایی دارند که به تاریخ پیوسته‌اند. این واسپاری به موزه‌ها اگرچه آنها را ابدی می‌کند، اما از حیات تهی کرده و زندگی آنها را به خاطرات و حافظه‌ها وامی‌گذارد.

در این میان، شهرها و ساختارهای کالبدی اهمیت ویژه می‌یابند؛ به عبارتی، اگر اجزای فرهنگ از قبیل زبان و آداب و رسوم را بر اساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دسته‌بندی کنیم، به‌طور قطع، ساختمان‌ها در سطح بالایی از اهمیت قرار خواهند گرفت. عناصر کالبدی شهر و معماری، جلوه‌هایی پررنگ از جریان‌های فرهنگی در خود دارند؛ پس چگونه می‌توان آنها را بدون ملاحظه این میزان از تأثیر و تأثر، نه اینکه به موزه‌ها و گنجینه‌ها بسپاریم که اندوه‌بارتر از آن، به مثابه اشیائی دورریختنی با قدرت تخریبی که محصول سوءبرداشت و سوءاستفاده از اندیشه و ابزار مدرن است، کمر به نابودیشان ببندیم؟

علاوه بر جنبه‌های فرهنگی و ضرورت صیانت از آثار تاریخی و فرهنگی، جریان‌های فکری جدید و رویکردهای اقتصادی و محیط‌زیستی در بهره‌وری و حفظ بیشتر منابع و سرمایه‌های مادی و طبیعی، بیش از پیش ضرورت حفاظت را بر ما آشکار کرده‌اند. موضوع، نگاه به بناها به‌مثابه‌ی ذخایری غنی از ماده، و انرژی نهفته است؛ نگاهی که امروزه اگر نتواند نیروهای قدرتمندی که بقا و دوام ساختمان را تهدید می‌کنند، مغلوب کند، دست‌کم به بازیافت اجزا و برگرداندن جزء جزء مواد تشکیل‌دهنده‌شان به چرخه‌ی تولید دوباره منجر می‌گردد.

در باب این ضرورت، استدلال‌های گوناگون از زوایای مختلف گفته و نوشته شده و طی سال‌های گذشته توجه بخش عمده‌ی نهادهای و اشخاص مرتبط با موضوع را به خود معطوف کرده است؛ هرچند در به فعلیت درآمدن و تحقق آن راهی طولانی پیش روی ماست. اکنون، توجه مدیران، برنامه‌ریزان و متخصصان بیش از پیش به اهمیت حفظ بناها و بافت‌های تاریخی و واجد ارزش جلب شده است؛ اگرچه بخش زیادی از این سرمایه‌ها از دست رفته، اما بخش قابل توجهی نیز هنوز پابرجاست و نیازمند توجه ویژه. امروز ما میراث‌دار بافت‌ها و بناهای ارزشمندی هستیم که از گذر پریپچ و تاب روزگاران، سرنوشت خود را به ما سپرده‌اند تا ما چگونه آن را به آیندگان برسانیم.

ساختمان‌هایی که امروزه فرسوده شده و یا بهره‌برداری از آنها در کاربری اولیه‌شان ممکن نیست، تخریب و نوسازی را سرنوشت محتوم خود نمی‌دانند. این بناها اگرچه نمی‌توانند نقش اولیه خود را ایفا کنند، اما دارای ظرفیت‌هایی نهفته در درون خود هستند. موضوع مهم، شناخت این ظرفیت‌هاست.

یک بنا فارغ از شکل، فرم و کاربری دارای ظرفیت‌هایی است که در هر کاربری خاص می‌توان بخش‌هایی از آن را فعال کرد. «بازطراحی» موضوع فعالسازی این ظرفیت‌هاست؛ ظرفیت‌هایی که ممکن است الزاما در کاربری قبلی به فعلیت در نیامده باشند و استفاده‌ی مجدد منطبق بر این ظرفیت‌ها است که می‌تواند ضمن پاسداری از ارزش‌های فرهنگی آنها، حفظ سرمایه‌های مادی و طبیعی ما در بخش ساختمان را تداوم بخشد. کتاب حاضر اثر دو تن از متخصصان حوزه‌ی طراحی داخلی، منبعی است که علاوه بر معرفی نمونه‌های ارزشمندی از پروژه‌های «تغییر کاربری» و «بازطراحی»، نوعی روش‌شناسی در این زمینه ارائه کرده است که با آن می‌توان رابطه‌ی میان ساختمان و استفاده‌ی مجدد منطبق بر آن را در قالب‌های احیاء، بازسازی و تغییر کاربری تعیین کرد. نویسندگان این تعیین رابطه را در سه سطح تبیین می‌کنند:

ابتدا، تحلیل است که در آن، فرم و ساختار بنای موجود شناخته شده و در گذشته و عملکرد اولیه‌ی آن کاوش می‌گردد، و زمینه و محیط به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر در کاربری پیشنهادی ارزیابی می‌گردد. سطح دوم راهبردهایی است که خود، بنا بر نسبت رابطه‌ی میان آنچه که هست (وضع موجود) و آنچه که پیشنهاد می‌گردد، تقسیم‌بندی می‌شوند. این راهبردها نوع تغییری که قرار است از خلال فرایند آماده‌سازی برای استفاده‌ی مجدد از ساختمان انجام شود را تعیین می‌کند. در نهایت آنچه که راهبردهای تعیین‌شده را در شکل کالبدی خود مجسم خواهد کرد، تحت عنوان تاکتیک‌ها، در فصل سوم کتاب تعریف شده است.

بر این اساس، معاونت شهرسازی و معماری در راستای تکالیف ترویجی و حمایتی خود، انتشار کتاب *بازخوانی/بازطراحی* را در دستور کار خود قرار داد. امید است این کتاب بتواند دانش تخصصی را ارتقا داده و بر ذخیره‌ی تجربه ما در شناخت صحیح و فعال‌سازی ظرفیت‌های مستتر در بناهای تاریخی و واجد ارزش، بیفزاید.

فرزانه صادق مالواجرد

معاون شهرسازی و معماری

و دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

مقدمه‌ی مترجم

عمل «تغییر بناها» به منظور مهیا کردن آنها برای کاربردهای تازه، همواره در طول تاریخ انجام می‌شده، اما «استفاده‌ی مجدد منطبق»^۱ که این کتاب به مصادیق آن می‌پردازد، به عنوان رشته‌ای با تئوری و حرفه‌ی مشخص، تنها از دهه‌ی ۱۹۷۰ پدید آمده است. لذا تغییر ساختمان‌های موجود برای کاربری‌های جدید پدیده‌ی تازه‌ای نیست؛ در گذشته ساختمان‌هایی که از نظر سازه‌ای امن بودند، بی‌هیچ مسئله یا مشکلی برای نیازها یا کاربری‌های جدید تغییر می‌کردند. برای مثال، در دوره‌ی رنسانس، یادگارهایی از دوران قدیم برای کاربری‌های جدید تغییر داده شدند، یا در انقلاب فرانسه ساختمان‌های مذهبی، پس از حراج و فروش، برای کاربردهای صنعتی یا نظامی انطباق می‌یافتند.^۲ با این حال، این مداخله‌ها در بسیاری از موارد به روشی کارکردگرایانه بدون هیچ قصدی برای حفظ میراث انجام می‌شد و نیروی محرک برای استفاده‌ی مجدد، اساساً کارکردی و مالی بود.^۳

در مجالی که مقدمه‌ی این ترجمه در اختیار می‌گذارد، تلاش شده بر نظرات متفاوت مطرح در این حوزه نگاهی اجمالی گردد، تا مخاطب درک بهتری هنگام تحلیل و قضاوت پروژه‌ها داشته باشد.

کنتاکوزینو که یکی از اولین نویسندگانی است که در مورد «استفاده‌ی مجدد منطبق» نوشته، آن را چنین توضیح می‌دهد:

از آن‌جا که سازه‌ی ساختمان‌ها عمر طولانی‌تری نسبت به کارکردشان دارد، می‌تواند پیوسته‌ی خود را برای استفاده مطابق با عملکردی جدید وفق بدهد. واقعیتی که نسل‌ها را در پس هم، قادر ساخته تا حس استمرار و پایداری از محیط فیزیکی پیرامون‌شان داشته باشند. هنگامی که ساختمان‌ها متروک می‌شدند، اجناسی از آن‌ها در دیده می‌شد، یا به دلایل سیاسی غیرقابل استفاده می‌شدند ولی فرایند تخریب در مقایسه با تأثیر بولدورز مدرن، کند بود.^۴

پرز دو آرس^۵ توضیح می‌دهد که این فرایند استفاده و استفاده‌ی مجدد ساختمان‌های موجود، جنبه‌ی مهمی از توسعه‌ی شهری است، چرا که کیفیت شهر را ارتقا می‌دهد، و برای آن سه دلیل عنوان کرده: اول، با استفاده از سازه‌های موجود، احتمال این که سازه‌ها برای دوره‌ای طولانی مورد استفاده قرار بگیرند، بیش‌تر است؛ دوم، هزینه‌ها را از نظر مواد و مصالح - استفاده‌ی دوباره از مواد موجود در محل - و از نظر اجتماعی - استمرار آهنگ عادی زندگی - کاهش می‌دهد؛ سوم، درکی از «مکان» هم از جنبه‌ی تاریخی و از جنبه‌ی فضایی به آن می‌دهد، چون پیچیدگی واقعی و تنوع معنادر از انباشته‌شدن تدریجی المان‌هایی که فضا را در یک فرایند افزایشی تأیید و تقویت می‌کنند، ایجاد می‌شود. این حس استمرار با هوشمندی ساخت‌وسازهای توارثی بیش‌تر تقویت می‌شود؛ ساخت‌وسازهایی که، با آزمون و خطا، گونه‌ای از معماری ایجاد می‌کنند که با معنادر بودن از نظر اجتماعی و با جلب رضایت تعداد زیادی از مردم، تقریباً محصولی با کیفیت بالا محسوب می‌شود.^۶

لذا استفاده‌ی مجدد و تغییر، چنان که پرز دو آرس و هالیس توصیف کرده‌اند، بیش‌تر بومی است تا سازمان‌یافته، و بیش‌تر بر اساس نیازها و خواسته‌های اجتماع است تا با هدف حفاظت از یک ساختمان مهم تاریخی و معماری.

1- Adaptive Reuse

۲- برگرفته از منابع زیر:

- Cunnington, P. (1988), Change of Use: the Conversion of Old Buildings, Alpha Books: London.
- Dubois, M., (1998) Hergebruik van gebouwen in Europees perspectief, kunsttijdschrift Vlaanderen. Het hergebruik van gebouwen., 271, pp. 121-127.
- Linters, A., (2006), Réflexion avant d'agir, Revue du Patrimoine Culturel Européen, pp. 4-12.

۳- برگرفته از منابع زیر:

- Pérez de Arce, R., (1978), Urban Transformations & The Architecture of Additions, Architectural Design, 4, pp. 237-266.
- Powell, K., (1999), Architecture reborn. Converting old buildings for new uses, Rizzoli international publications, inc.: New York.
- 4- Cantacuzino, S. (1972), New uses for old buildings, Architectural Review, CLI(903), 262-324.
- 5- Perez de Arce
- 6- Pérez de Arce, R., (1978), Urban Transformations & The Architecture of Additions, Architectural Design, 4, pp. 237-266.

همواره گفتارهایی در حیطه‌ی این موضوع با بحث در مورد نظرات مخالف دو نفر آغاز می‌شود: راسکین^۱ و ویوله لودوک^۲. زیرا دو روش اصلی برای نگهداری توسط راسکین و ویوله لودوک بیان شد. راسکین اعتقاد داشت که ساختمان‌ها میراث و خاطرات زنده‌ای هستند که می‌بایست بدون تغییرات، محافظت شوند. برای او، مرمت مساوی بود با تخریب و هر تغییر هرچند کوچک، دگرگون‌کننده‌ی ساختمان و مسبب تولید یک دروغ. برای راسکین محافظت صادقانه از ساختمان‌های موجود، حفظ حالت اولیه آن‌ها بود. موریس^۳ دیدگاه‌های راسکین را در مرمت به کار برد. او قوانین راسکین را صادقانه دانست و آن‌ها را در مانیفست SPAM توسعه داد.

برخلاف راسکین و موریس، ویوله لودوک اعتقاد داشت مرمت، ساختمان‌های موجود را بهتر و کامل‌تر می‌کند. او درباره‌ی استفاده‌ی مجدد بناهای تاریخی می‌گوید: ... بهترین راه حفاظت از ساختمان، یافتن کاربردی برای آن، و سپس برآوردن نیازهای احتمالی از آن کاربرد است؛ چنان‌که هیچ نیاز دیگری برای تغییرات بیش‌تر در ساختمان وجود نداشته باشد... در چنین شرایطی، بهترین کار این است که خودتان را به جای معمار اصلی بگذارید و سعی کنید تصور کنید اگر به زمین باز می‌گشت و همین برنامه‌هایی که به ما داده شده به او داده می‌شد، چه کار می‌کرد. حالا، این نوع اقدام نیازمند برخورداری مرمتگر از همه‌ی آن منابعی است که استاد اصلی در اختیار داشته است؛ و این که مانند استاد اصلی پیش برود.^۴

ویوله لودوک به معماران معاصر آشکارا اختیار می‌دهد تا ساختمان اصلی را برای کاربری جدید به روش‌های واضح، مستقیم و عملی تغییر دهند. با این حال، امروزه به این علت که بیش از هر چیز، سابقه‌ی تاریخی در رویکرد منطبق سازی معاصر ساختمان‌های موجود تعیین‌کننده است، پرورنده نمی‌شود. مفهومی که فرد اسکات با عنوان sympathy (هم‌سوئی) در کتاب خود، «معماری تغییر» ارائه می‌کند، نوعی بازخوانی معاصر از اندیشه‌های لودوک است. او مرمت را با ترجمه‌ی شعر مقایسه می‌کند؛ کاری که نیازمند «هم‌سوئی» است: ترجمه‌ی شعر مانند آوردن یک ساختمان از گذشته به حال است. این انتقال معنا در شعر کاری است که نیازمند الهامی مشابه با نویسندگی اصلی است، و به همین ترتیب، می‌توان بازطراحی را «هنر پاسخ» نامید.^۵

استدلال او این بود که در مرمت، اجزای قدیمی با اجزای جدید، بهتر و مقاوم‌تر جایگزین می‌شوند. درحالی‌که از دیدگاه راسکین و موریس، مرمت روشی است که روح و زیبایی ساختمان را از آن جدا کرده و آن را با چیزهای ساختگی مدرن جایگزین می‌کند. لودوک مرمت را به‌عنوان روشی می‌دید که ساختمان را حتی به‌گونه‌ای بنا کند که هیچ‌وقت وجود نداشته است. دیدگاه‌های لودوک در مرمت از دیدگاه‌های راسکین و موریس جدا شد به دلیل اینکه او اعتقاد داشت مرمت بایستی نگاه به آینده داشته باشد نه گذشته. بنابراین او اعتقاد به نگهداری ساختمان از طریق تغییر در کاربری داشت. در این راه امکان اشغال یک ساختمان وجود داشت. برخلاف راسکین، ویوله لودوک و موریس تئوری‌هایشان را به عمل تبدیل کردند. پروژه‌های مرمت لودوک از چند وجه امتحان شده و تئوری‌هایش تأیید شده بود. هنگامی که راسکین و موریس حفظ تعادل را به‌عنوان تنها راه

1- Ruskin

2- Viollet-le-Duc

3- Morris

4- Viollet-le-Duc, E. (1990), [1854], The Foundations of Architecture. Selections from the Dictionnaire raisonné, George Braziller: New York.

۵- معماری تغییر، فرد اسکات. ۱۳۹۷. ترجمه علیرضا عینی فر، سید احسان مسعود و نوید گلچین. تهران: انتشارات فکرنو.

مواجهه با ساختمان‌های موجود ترویج می‌دادند، لودوک درجه‌ای از تغییر را معرفی می‌کرد که به ساختمان‌های موجود اجازه می‌داد، دوباره استفاده شوند.

در این زمینه نظرات متفاوتی نیز در دهه‌های اخیر اظهار شده است؛ از جمله می‌توان به ورود رم کولهاس و همکارانش به موضوع حفاظت اشاره کرد. اعتقاد کولهاس قدری با دیگران متفاوت است. کولهاس استدلال می‌کند که مقیاس و اهمیت نگهداری هر ساله بیشتر می‌شود، اما عدم وجود یک تئوری و عدم علاقه به سرمایه‌گذاری در این حوزه خطرناک است و لیستی از ابهامات و تناقضات در مورد حفاظت را برمی‌شمرد، که بعضی از آن‌ها از این قرارند:

■ معیار گزینش، تعاریفی است مبهم و منعطف؛ زیرا متولیان مجبورند شرایط جهان‌شمول را بپذیرند؛

■ زمان متوقف نمی‌شود، با این حال اما هیچ توجهی به اینکه تأثیرات آن چگونه مدیریت شود، چگونه اثر حفظ‌شده باقی بماند و تکامل یابد، وجود ندارد؛

■ فرهنگ‌های مختلف، نگهداری را به گونه‌های مختلفی تفسیر کرده و درباره‌ی آن آگاهی دارند؛ تنوع مصالح، اقلیم و محیط زیست هر کدام بر تعریف نگهداری آن فرهنگ اثرگذار است.

■ از طریق جاه‌طلبی روزافزون نگهداری، زمان تأخیر بین ساختمان‌نوساز و نگهداری آن، از دو هزار سال به تقریباً هیچ، کاهش یافته است. از گذشته‌نگری، نگهداری به زودی آینده‌نگر می‌شود و مجبور به تصمیم‌گیری درباره‌ی عمارت‌هایی خواهد بود که هنوز ساخته نشده‌اند.

■ نگهداری از یک مسئله‌ی نگران‌کننده‌ی فرهنگی، تبدیل به یک موضوع سیاسی و حقوقی تاریخی شده است و مثل همه‌ی حقوق، مستعد تأثیرپذیری از سیاست است. با نشان دادن حسن نیت درباره‌ی مراقبت از آثار تاریخی؛ نگهداری می‌تواند به طور گسترده‌ای آغاز گردد. در بسیاری موارد؛ باید از گذشته برای آینده برنامه‌ریزی کرد.

■ «ایده‌ای برای نگهداری موارد متوسط (از نظر ارزش) و عمومی وجود ندارد.»^۱ و در توضیح مورد آخر، تأکید می‌کند که نگرشی میان نگهداری و توسعه لازم است. افزایش مقیاس و وسعت نگهداری، نیازمند تعریف یک تئوری برعکس می‌باشد: نه چیزی که باید نگه داشت، بلکه چیزی که باید رها کرد، چیزی که باید آن را محو و رها کرد. در سایه‌ی حفاظت محافظه‌کارانه ایده‌ی ثبات معماری معاصر می‌تواند از قلم بیفتد. پستلینی^۲ از OMA توضیح می‌دهد که یکی از استراتژی‌های آن‌ها نسبت به نگهداری، رویکرد مخالف است. به طور دقیق‌تر، تخریب به عنوان یک روش برای نگهداری منطقه‌ی مشخصی در نظر گرفته می‌شود. استدلال می‌کند که «ساخته‌شده»‌ها در اروپا، وضعیت مبهمی ایجاد می‌کند؛ زیرا اروپا به عنوان دنیای قدیم مطرح می‌شود؛ در این قاره‌ی تاریخی، تمام ماهیت آن، حتی موارد متوسط نیز ارزش تاریخی دارد و باید محافظت گردد.^۳

در واکنش به «کنوانسیون نگهداری از میراث فرهنگی و طبیعی جهان» یونسکو (۱۹۷۲): OMA، «کنوانسیون توجه به تخریب جهان فرهنگی پوچ» (۲۰۱۰) را در دوسالانه‌ی بین‌المللی معماری ونیز پیشنهاد کرد و مفاد آن عبارت‌است از:

1- OMA. (2010a). Venice Biennale 2010: Cronocao, Italy, Venice, 2010. Retrieved July 05th, 2014, from <http://oma.eu/projects/2010/venice-biennale-2010-cronocao>.

2- Pestellini

3- OMA. (1991). Mission Grand Axe [Image]. Retrieved September 16, 2014, from <http://www.oma.eu/projects/1991/mission-grand-axe-la-defense/>

■ توجه داشته باشید که میراث فرهنگی و میراث طبیعی، نه فقط از طریق افزایش نیاز به هویت یا تاریخ؛ بلکه همچنین با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی که وضعیت را دشوارتر می‌کنند، ما را به فکر فرو برده و دست‌پاچه می‌کنند؛

■ در نظر داشته باشید که گسترش میراث فرهنگی و طبیعی، باعث بی‌اهمیت شدن آثار تاریخی همه‌ی ملل جهان خواهد شد؛

■ در نظر داشته باشید که نگهداری از میراث در سطح ملی، نیازمند منابع عظیم اقتصادی، علمی و فناوری است؛

■ در نظر داشته باشید که کنوانسیون‌های بین‌المللی، توصیه‌نامه‌ها و قطعنامه‌های مربوط به مالکیت فرهنگی و طبیعی موجود، اهمیت مسئله‌ی نگهداری را برای تمام مردم جهان و هر آنچه به مردم تعلق دارد؛ نشان می‌دهد؛

■ در نظر داشته باشید که بخش‌هایی از میراث فرهنگی و طبیعی، ناچیز و گذرا هستند و در نتیجه باید به منظور تسهیل رشد و توسعه‌ی بشریت به‌عنوان یک کل، تخریب شوند؛

■ در نظر داشته باشید که از نظر اندازه و سرعت پتانسیل جهانی به تولید آشغال، برای جامعه‌ی جهانی به عنوان یک کل لازم است تا در حذف آثار تاریخی طبیعی و فرهنگی که به‌طور قابل توجهی مضرند، اقدام کند؛ اگرچه این عمل به دولت مربوط نیست، اما حضورش می‌تواند کمک زیادی بکند؛

■ در نظر داشته باشید که باید مقرراتی جدید برای تثبیت تخریب این آثار ناچیز و کم‌ارزش وضع شود؛ و این قوانین باید بر اساس یک‌پایه‌ی دائمی، مطابق با روش‌های مدرن علمی بنا گردد.¹

اگر چه نکات مورد اشاره‌ی رم کولهاس و همکاران، با خوانش غالب این حیطه متغایر است، اما در نگرانی‌های پس آن، اغلب اندیشمندان این حوزه هم‌نظرند. در پایان تصور می‌کنم بیش از هر چیز مرور مصادیق متنوع پروژه‌های استفاده‌ی مجدد و استراتژی‌های متفاوتی که می‌توان در طراحی برگزید، می‌تواند به بهره‌وری بیشتر بناهای واجد ارزش یاری برساند. برخوردهای محافظه‌کارانه و تلاش برای حداقل مداخله در همه‌ی بناها فارغ از نوع ارزش‌های آن و وسواس‌های نابه‌جا در تغییر کاربری، نه تنها این عرصه را برای سرمایه‌گذاری غیرجذاب می‌کند، در نهایت متأسفانه به حفاظت و ارتقای ارزش‌های بنا نیز منجر نمی‌شود و گاهی حتی بنا را غیرمستقیم به سمت تخریب سوق می‌دهد.

سید احسان مسعود

(مدرس مدعو دانشکده معماری دانشگاه تهران)

1- Pestellini, I. (2011). Preservation / Destruction: OMA – CRONOCAOS (Lecture recording) RA Forum: Future Memory. Royal Academy of Arts. 04 April 2011.

فهرست

فصل اول	فصل دوم	فصل سوم	فصل چهارم
تحلیل	راهبرد	تاکتیک‌ها	نمونه‌های موردی
۲۳ مقدمه	۸۳ مقدمه	۱۴۸ مقدمه	
فرم و ساختار	مداخله	صفحه	۲۳۷ مرکز فیلم ایرلند
۲۶ مقدمه	۸۵ مقدمه	۱۵۰ مقدمه	۲۴۲ موزه‌ی کستلوکیو
۲۹ نمونه‌ها	۸۸ نمونه‌ها	۱۵۵ نمونه‌ها	۲۴۸ ماری ینکرش
تاریخ و کاربری	جایگذاری	شیء	و کتابخانه
۴۲ مقدمه	۱۰۴ مقدمه	۱۷۲ مقدمه	۲۵۲ موزه‌ی اسقف، هامر
۴۴ نمونه‌ها	۱۰۶ نمونه‌ها	۱۷۵ نمونه‌ها	۲۵۷ براسری
زمینه و محیط	چیدمان	نور	۲۶۱ گالری ملی
۵۵ مقدمه	۱۲۹ مقدمه	۱۸۶ مقدمه	
۵۹ نمونه‌ها	۱۳۰ نمونه‌ها	۱۸۹ نمونه‌ها	
کاربری پیشنهادی		سطح	۲۶۶ پی‌نوشت
۷۱ مقدمه		۱۹۹ مقدمه	۲۶۸ واژه‌نامه
۷۲ نمونه‌ها		۲۰۱ نمونه‌ها	۲۶۹ کتاب‌نامه
		بازشوها	
		۲۱۰ مقدمه	
		۲۱۳ نمونه‌ها	
		حرکت	
		۲۲۲ مقدمه	
		۲۲۵ نمونه‌ها	

■ افزایش تعداد بناهایی که دیگر در نقش اولیه‌ی خود قابل استفاده نیستند، چالشی است که روزه‌روز اهمیت بیشتری می‌یابد و توجه به تغییر بناها برای استفاده‌ی مجدد، چه به دلیل حفاظت از کالبد آن‌ها و چه باهدف بهره‌وری بیشتر از منابع و سرمایه‌ها، به امری اجتناب‌ناپذیر در اغلب کشورها تبدیل است. در طراحی این پروژه‌ها معماران و معماران داخلی، و متخصصین حفاظت و مرمت نقش عمده را دارند و همزمان، این حوزه مورد علاقه‌ی طراحان صنعتی و حتی هنرمندان چیدمان و طراحان صحنه نیز هست. کتاب **REREADINGS** که ترجمه‌ی آن را در دست دارید، توسط **RIBA** (انجمن سلطنتی معماران بریتانیا) منتشر شده است، و سعی دارد نخستین بار روشی نظری برای روند بازطراحی بناهای موجود ارائه کند؛ روشی که به طراح در اتخاذ رویکرد مناسب برای ارتباط میان ویژگی‌ها و ارزش‌های معماری موجود از یک سو، و نیازهای زندگی جدید بنا از سوی دیگر کمک کند. نویسندگان روند طراحی این پروژه‌ها را در سه مرحله‌ی پیاپی پیشنهاد می‌کنند: تحلیل و بازخوانی بنای موجود، انتخاب استراتژی طراحی مناسب، و انتخاب تاکتیک‌های طراحی متناسب با استراتژی اتخاذشده. برای تسلط بیشتر مخاطب به فرایند و انطباق رویکردهای نظری با آنچه در حرفه رخ می‌دهد، تشریح هر کدام از این مراحل با نمونه پروژه‌های اجراشده‌ی گوناگونی همراه شده است.

وزارت راه و شهرسازی
معاونت معماری و شهرسازی
دفتر معماری، طراحی شهری و بافت‌های داجدارزش

ISBN: 978-622-6963-12-1



9

786226 963121

شهرسازی
معماری و
کتابخانه تخصصی هنر

اصالت و قیمت این کتاب فقط با هولوگرام اختصاصی «کتابخانه گسری» تأیید می‌شود.

